

بسمه تعالی

ترس از طلاق و نگرش به ازدواج: مطالعه‌ای در میان دختران مجرد شهر تهران

مرجان رشوند سرخکوله

استادیار گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
نویسنده مسئول.

Marjan Rashvand Sorkhkouleh

Assistant professor Department of Demography, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Corresponding Author.
E-mail: m.rashvand@atu.ac.ir

فاطمه وجدانی

دانشیار دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Fatemeh Vojdani

Associate Professor, Faculty of Theology and Religious Studies, Department of Islamic Thought, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
E-mail: f_vojdani@sbu.ac.ir

چکیده

کاهش نگرش مثبت به ازدواج در میان نسل جدید، یکی از نگرانی‌های صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران حوزه فرهنگ و خانواده است. این مساله می‌تواند حاصل مسائل و مشکلات گوناگونی باشد. هدف از تحقیق حاضر، بررسی رابطه میان متغیر ترس از طلاق (و برخی متغیرهای دیگر) با متغیر نگرش به ازدواج است. پژوهش حاضر یک پیمایش مقطعی بوده و دارای ماهیت توصیفی - همبستگی است. از بین مناطق ۲۲گانه شهر تهران، از هر یک از سه منطقه اصلی (توسعه‌یافته، توسعه‌یافتگی متوسط و توسعه‌نیافته)، به شیوه تصادفی ساده یک منطقه انتخاب شده است. جامعه آماری تحقیق شامل دختران مجرد ۳۴-۲۰ ساله ساکن شهر تهران در مناطق سه، هشت و پانزده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۲ نفر برآورد گردید. شیوه نمونه‌گیری ترکیبی از روش‌های طبقه‌بندی چندمرحله‌ای و تصادفی ساده بوده است. نتایج تحلیل چندمتغیره بیانگر آن است که با کنترل همه متغیرها، متغیرهای ترس از طلاق، تجربه دوستی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی به صورت منفی و متغیرهای دینداری و سن به صورت مثبت بر نگرش دختران به ازدواج تاثیرگذار هستند. از سوی دیگر نتایج تحلیل مسیر بیانگر نقش میانجی و واسطه‌ای ترس از طلاق در ارتباط با تاثیرگذاری متغیرهای استفاده از شبکه‌های اجتماعی، دینداری و تجربه دوستی بر نگرش دختران به ازدواج است. با توجه به این که مشخص شد که ترس از طلاق با نگرش به ازدواج رابطه معنی دار دارد و ترس از طلاق نیز، خود با متغیرهای استفاده از شبکه‌های اجتماعی، دینداری و تجربه دوستی رابطه دارد، ضرورت آموزش‌های لازم جهت مدیریت مصرف رسانه و سواد رسانه‌ای و نیز تقویت دینداری از دوران کودکی تا دوره‌های آموزشی و اصلاح الگوی ارتباطی با جنس مخالف در دانشگاه‌ها، توصیه می‌شود.

کلید واژه‌ها: ترس از طلاق، نگرش به ازدواج، تجربه دوستی، شبکه اجتماعی، دینداری، دختران مجرد تهرانی

۱. مقدمه و بیان مسئله

یکی از مسائلی که امروزه در ارتباط با نهاد خانواده با آن مواجهیم، کاهش گرایش به ازدواج و به عبارتی، کاهش ارزش ازدواج در میان نسل جدید است. پژوهش‌های میدانی نشان‌دهنده روند افزایشی

جوانانی است که علاقه به ازدواج ندارند، فرد مناسب خود را پیدا نمی‌کنند، نگران دیر ازدواج کردن نیستند و کسانی که اصلاً دغدغه ازدواج ندارند (غیاثوند، ۱۴۰۲) و دوست دارند مدت‌های زیادی از عمر خود را مجرد باشند (مرادی و صفاریان، ۱۳۹۱: ۲۴). کاهش گرایش به ازدواج، زمینه را برای افزایش میانگین سن ازدواج و رسیدن بسیاری از جوانان به مجرد قطعی فراهم می‌کند (قنبری برزیان و همکاران، ۱۳۹۷)؛ در همین راستا، در دهه‌های اخیر تغییرات مهمی در الگوی سنی ازدواج، به ویژه در میان دختران اتفاق افتاده است. میانگین سن ازدواج در دخترها از ۱۸،۴ سال (در سال ۱۳۴۵)، به ۲۳ سال (در ۱۳۹۵) رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) و الگوی سنی ورود به ازدواج در زنان بیش‌تر از مردان دستخوش تغییر شده است و میزان تاخیر در زنان برجسته‌تر است (رشوند سرخکوله، ۱۳۹۷) که بحث راجع به دلایل آن فرصت دیگری می‌طلبد.

به دنبال تغییر نگرش‌های نسل جوان نسبت به ازدواج، کاهش ازدواج ممکن است باعث افزایش اختلالات رفتاری و آسیب‌پذیری جنسی، افزایش بیماری‌های جسمی و روحی، کاهش جمعیت، افزایش مجرد قطعی (آزادارمکی، ۱۳۸۶: ۱۰۲)، گسترش هم‌خانگی و هم‌باشی (ازدواج سفید) و در نهایت تزلزل جامعه (گیدنز، ۱۳۸۶: ۴۵۳) شود.

کاهش گرایش نسل جدید به ازدواج مساله پیچیده‌ای است و دلایل گوناگونی دارد که هنوز همه آن‌ها شناسایی نشده‌اند. از سوی دیگر، یکی دیگر از مشکلات جدی که در جامعه با آن مواجه هستیم، آمار بالای طلاق در سال‌های اخیر است که ممکن است به نوعی، با بحث کاهش تمایل جوانان به ازدواج ارتباط داشته باشد. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، تعداد طلاق ثبت شده با مدت ازدواج کم‌تر از یک سال، از ۲۱۹۸ طلاق در بهار ۱۳۹۹ با رشد ۳۹ درصدی در تابستان همان سال به ۳۰۶۸ طلاق رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰). این‌گونه آمارها خوش‌بینی نسبت به ازدواج و موفقیت ازدواج را در میان اعضای جامعه کاهش می‌دهد.

در این میان، جوانان که از حساسیت بیش‌تری هم برخوردار هستند، هر روزه تجاربی از شکست ازدواج را در دوستان، نزدیکان، اقوام یا حتی در بین اعضای خانواده خود مشاهده می‌کنند. طلاق علاوه بر فرایند فرسایشی و توانفرسا، تبعات فردی، خانوادگی و اجتماعی زیادی نیز در پی دارد. به خصوص زمانی که پای فرزند یا فرزندان نیز در میان باشد، تبعات منفی آن بسیار بیش‌تر هم خواهد بود و تا آخر عمر،

دامن گیر افراد خواهد بود. زوجینی که از هم جدا شده‌اند، نه تنها بسیاری از سرمایه‌های زمانی، عاطفی و اقتصادی خود را از دست داده‌اند، گاه برای همیشه فرصت ازدواج مجدد و موفق را نیز از دست می‌دهند و تا آخر عمر باید با مشکلات عدیده‌ای دست و پنجه نرم کنند. طبیعی است که مشاهده مکرر این‌گونه مسائل، خوش‌بینی به ازدواج و امید به ازدواج موفق را کاهش می‌دهد؛ و به ویژه، برای جوانان که در بحبوحه تصمیم‌گیری برای این امر مهم هستند، نگرانی‌های زیادی نیز ایجاد می‌کند. بر این اساس، به نظر می‌رسد که ترس از طلاق یکی از عواملی باشد که اشتیاق و تمایل جوانان را به ازدواج تحت الشعاع قرار دهد. البته این امر نیاز به پژوهش دارد. اگر یافته تحقیقات این فرضیه را تایید کند، آموزش‌های لازم جهت تقویت مهارت‌های پیشگیرانه، حمایت روانی و جلب اطمینان جوانان می‌تواند در رفع این معضل مفید واقع شود و شرایط روانی لازم را تأمین نموده، و نگرش مثبت به ازدواج را تأمین کند.

اگر بخواهیم ابعاد مختلف این مساله را باز کنیم، مساله دیگری که باز هم بی‌ارتباط با مسائل پیش گفته نیست و شاید به روشن‌تر شدن این تصویر کمک کند، الگوهای ارتباطی نامناسب جوانان در دوره مجردی است. طبق یافته تحقیقات میدانی، تعداد قابل توجهی از جوانان ما درگیر دوستی‌های دختر و پسر و حتی روابط پیشرفته و جنسی قبل از ازدواج هستند (علی تبار و همکاران، ۱۳۹۳؛ عظیمی هاشمی و همکاران، ۱۳۹۴). این‌گونه روابط قبل از ازدواج، موجب بدبینی به جنس مخالف (قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۶؛ قنبری برزیان و همکاران، ۱۳۹۷) می‌شود. به ویژه اگر به دفعات تکرار شود و این بدبینی، عمیق شود، به نوبه خود می‌تواند منجر به بی‌رغبتی به ازدواج شود. از سوی دیگر حتی در صورت ازدواج نیز، داشتن بی‌اعتمادی متقابل زوجین، در میان افرادی که قبل از ازدواج چنین تجاربی داشته‌اند، به طور معناداری بالاتر است (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰). این افراد سازگاری زناشویی کم‌تری با همسر خود دارند (ملک عسگر و همکاران، ۱۳۹۶)، بی‌وفایی و خیانت زناشویی در میان آن‌ها شایع‌تر است (نژاد کریم و همکاران، ۱۳۹۵؛ قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۶) و احتمال طلاق در آن‌ها چند برابر افرادی است که قبلاً چنین روابطی نداشته‌اند (خلج آبادی فراهانی، ۱۳۹۱؛ ذوالفقاری، ۱۳۹۲).

لذا افرادی با سابقه دوستی و به ویژه روابط پیشرفته در قبل از ازدواج، احتمالاً زندگی‌های ناپایداری خواهند داشت. بنابراین، نگرانی راجع به پایداری زندگی در صورت ازدواج (و به عبارت دیگر، ترس از طلاق) برای این جوانان قابل پیش‌بینی است. معضل دیگری که برای این افراد پیش می‌آید، تنوع‌طلبی

است. خود تنوع طلبی هم می تواند رغبت به ازدواج را در آن ها کاهش دهد؛ چراکه ازدواج برای آن ها تعهد به محدود ماندن و محدود کردن خود به رابطه با یک فرد، و عملاً، محروم نمودن خود از رابطه با شریک های عاطفی و جنسی متنوع است که می تواند اشتیاق به ازدواج را برای جوانان تنوع طلب کاهش دهد. علاوه بر این، ترس از افشا شدن روابط از دیگر پیامدهای این گونه ارتباطات است (زیتتی، ۱۳۸۲)، که فشار روانی زیاد بر افراد وارد می کند و می تواند باعث شود که فرد از ازدواج اجتناب کند. به طور کلی طبق آنچه تحقیقات نشان می دهند، به ویژه روابط پیشرفته پیش از ازدواج تأثیرات روحی روانی زیادی بر افراد دارد و منجر به مسائلی هم چون ترس، بیزاری، عدم اعتماد به نفس، کج خلقی، احساس گناه و نظایر این ها می شود (آقامحمدیان شعرباف و نیمروزی، ۱۳۸۵). که می تواند شور و اشتیاق و تمایلی را که به طور طبیعی در یک فرد سالم به لحاظ روحی روانی برای ازدواج می تواند وجود داشته باشد، دچار اختلال کند. هم چنان که فیشر (۲۰۱۴) نیز تأکید می کند که تجربه عاطفی و جنسی پیش از ازدواج در بیش تر موارد با شکست عاطفی همراه است که در طی آن انتظارات فرد از روابط عاشقانه، به صورت ناگهانی یا تدریجی در وضعیت آشفتگی قرار می گیرد. به هر حال، بسیاری محققان در تحقیقات خود به صراحت نشان داده اند که روابط جنسی پیش از ازدواج، سبب کاهش گرایش جوانان به ازدواج می شود (مانند قنبری برزیان و همکاران، ۱۳۹۷) و البته دلایل و ریشه های این امر، هنوز نیاز به بررسی دارد.

در یک بررسی عمیق تر باید دید خود این گونه مسائل از کجا ناشی می شوند و تحت تاثیر چه عواملی تشدید یا کنترل می شوند. در این صورت بهتر می توان مداخله های اصلاحی و موثر را جهت مدیریت این بحران طراحی نمود. در این زمینه جا دارد که تاثیر گذاری دو عامل مهمی که امروزه فکر، ذهن و گرایشات جوانان را سمت و سو می دهند، در این قضایا روشن شود: استفاده از شبکه های اجتماعی و دینداری. به عنوان مثال، برخی محققان رابطه معنی دار و منفی میان دینداری و نگرش مثبت نسبت به رابطه با جنس مخالف گزارش کرده اند (غفاری و همکاران، ۱۳۹۶) هم چنین، استفاده از ماهواره (خصوصاً فیلم های منفی) (رجبی و البرزی، ۱۳۹۶) و استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی (مبارکی و شرفی، ۱۳۹۸) با تجربه دوستی با جنس مخالف را مرتبط شناخته اند.

آیا این دو عامل در بروز یا کنترل مسائل پیش گفته نقش آفرینی دارند و تا چه حد و چگونه تاثیر می گذارند؟

البته در این میان شناسایی رابطه میان سن جوانان و میزان تحصیلاتشان با این متغیرها نیز می‌تواند جنبه‌های ظریف‌تری را از مسائل پیش گفته برای ما روشن کند، گروه‌هایی را که بیش‌تر در معرض خطر هستند، برای سیاست‌گذاران مشخص سازد و برنامه‌ریزی دقیق‌تر و همراه با اولویت‌بندی را امکان‌پذیر سازد. بنابراین، هدف اصلی این تحقیق، بررسی رابطه میان متغیرهای: استفاده از شبکه‌های اجتماعی، ترس از طلاق، تجربه دوستی (با جنس مخالف) و دینداری با متغیر نگرش به ازدواج است.

۲. پیشینه پژوهش

در مورد رابطه میان ترس از طلاق و نگرش به ازدواج، طبق جستجوهای انجام شده، پژوهش منتشر شده‌ای یافت نشد. اما در زمینه رابطه میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، تجربه دوستی (با جنس مخالف) و دینداری با متغیر نگرش به ازدواج تحقیقاتی تاکنون انجام شده که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

در ارتباط با رابطه میان دینداری و گرایش به ازدواج، تحقیقات مختلف (رشوند سرخکوله، ۱۳۹۷؛ سرایی و اجاقلو، ۱۳۹۲) رابطه مستقیم و معناداری بین دینداری با ارزش ازدواج ذکر کردند. برزگر خضری و خدابخشی کولایی (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی که انجام دادند به این نتیجه رسیده‌اند که جهت‌گیری مذهبی و خودکنترلی از عوامل مؤثر بر نگرش افراد به روابط قبل از ازدواج با جنس مخالف است. خلج آبادی فراهانی (۱۴۰۰) نیز پابندی مذهبی را به عنوان یکی از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های ازدواج برای جوانان گزارش کرده است.

در مورد رابطه میان روابط پیش از ازدواج با نگرش به ازدواج، خلج آبادی فراهانی و شجاعی (۱۳۹۲) دریافتند که تجربه معاشرت پیشرفته قبل از ازدواج، یکی از عوامل تعیین‌کننده افزایش سن ازدواج بین دختران است. در مقابل در پسران معاشرت پیشرفته پیش از ازدواج بر افزایش سن ازدواج تأثیری ندارد. در تحقیق دیگری، خلج آبادی فراهانی و همکاران (۱۳۹۲) به این نتیجه رسیدند که تجربه جنسی تعیین‌کننده افزایش سن ازدواج است ولی رابطه دوستی با جنس مخالف در بین دختران با تمایل بیش‌تر به

ازدواج همراه است. گاقان^۱ (۲۰۰۲) وجود رابطه بین تعدد ارتباطات پیش از ازدواج و کاهش تمایل به ازدواج در دختران را نشان داد. لذا یافته‌ها در این مورد کمی متفاوت است.

در زمینه رابطه میان تحصیلات و نگرش به ازدواج نیز بسیاری تحقیقات نشان داده‌اند که با افزایش سطح تحصیلات گرایش به ازدواج کاهش می‌یابد (مانند: امامی و همکاران، ۱۴۰۰) و سن ازدواج بالا می‌رود (انتظاری و همکاران، ۱۳۹۷؛ عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۹۷). تاج‌بخش و محمدی (۱۳۹۹) نیز در تحقیق خود دریافتند که میزان تحصیلات به ویژه در مقاطع بالای تحصیلی با گرایش به افزایش سن ازدواج در بین جوانان، بسیار پراهمیت و در ارتباط می‌باشد. اما برخی محققان هم رابطه معناداری میان تحصیلات و گرایش به ازدواج پیدا نکردند (سیاح و همکاران، ۱۳۹۷؛ کیان پور و همکاران، ۱۴۰۲). حسین و اسلام^۲ (۲۰۱۳) نیز دریافتند که تحصیلات تاثیر مثبتی در گرایش به ازدواج زنان دارد.

درمورد رابطه میان مصرف رسانه و نگرش به ازدواج نیز تحقیقاتی انجام شده است. شهنواز و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی، احتمال وقوع آینده پیشران‌های مجرد در ایران ۱۴۱۴ را با ارائه فرضیه‌هایی برای آینده مجرد طراحی و بررسی کردند. احتمال وقوع شش فرض مطرح شده برای هر یک از پیشران‌های مجرد به تفکیک به دست آمد که در این میان، فرض "افزایش تاثیر رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی بر تغییر نگرش جوانان" بالاترین درصد احتمال وقوع را از نظر متخصصان دارد. سرابی و اجاقلو (۱۳۹۲) نیز دریافته‌اند که تجربه جهانی شدن، رابطه معکوس و منفی با ارزش ازدواج دارد.

معمار و یزدخواستی (۱۳۹۴) نیز تجارب زیسته دختران ۳۰ تا ۴۹ ساله مجرد را بررسی کردند و دریافتند که ترجیح مجرد به ازدواج بازتاب واکنش کنشگران در عرصه اجتماعی است.

تامل در تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که اولاً، پژوهش‌های پراکنده‌ای حول برخی از ابعاد مرتبط به موضوع این تحقیق صورت گرفته است؛ اما پژوهشی که رابطه همزمان میان متغیرهای ترس از طلاق، استفاده از شبکه‌های اجتماعی، تجربه دوستی (با جنس مخالف) و دینداری را با متغیر نگرش به ازدواج و

1. Gaughan

2. Hossain & Islam

نحوه تاثیر و تاثیر این متغیرها را روی هم بررسی کند، تاکنون انجام نشده است. به علاوه متغیر ترس از طلاق متغیر جدید اما مهمی است که امروزه با بالا رفتن آمار طلاق باید مورد بررسی‌های جدی قرار بگیرد و تاکنون مورد توجه پژوهشگران نبوده است و این پژوهش، به ویژه از این نظر حاوی نوآوری است. هم‌چنین در نظر گرفتن نحوه اثرگذاری متغیرهایی هم چون سن و تحصیلات می‌تواند گروه‌های پرخطر را برای سیاست‌گذاران فرهنگی مشخص کند و لذا گروه‌های هدف را برای برنامه‌های آموزشی و اصلاحی تعیین کند.

۳. مبانی و چارچوب نظری

یکی از موضوعاتی که در ذیل تغییر ارزش‌های خانوادگی قابل مطالعه و بررسی است، ازدواج و نگرش به آن است. یکی از تئوری‌های مهم تبیین‌کننده تغییرات خانواده و ارزش‌های آن، نظریه گذار دوم جمعیتی است.

این نظریه عمدتاً تلاش می‌کند تا سهم و اثر تغییرات نگرشی و فرهنگی را در شکل‌دهی ایده‌آل‌های فردی در حوزه خانواده مشخص کند و از این رهگذر، تحولات خانواده را در کشورهای پیشرفته (به خصوص بعد از جنگ جهانی دوم) تبیین و تفسیر کند. از دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد، کشورهای مذکور پیرو افت باروری و افزایش مرگ و میر در قرون نوزده و بیست، تغییر و تحولات زیادی را در حوزه مناسبات خانوادگی به خود دیدند. برخی اندیشمندان (ون‌دکا ۲۰۰۱؛ لسته‌هاک و سورکین ۱۹۸۸) بر این باورند که تغییر و تحولات وسیع حوزه خانواده را در کشورهای اروپای غربی که در نیمه دوم قرن بیست به وقوع پیوست، می‌توان به عنوان نشانه‌ای از انتقال دوم جمعیتی تلقی کرد.

اولین علائم و سرنخ‌های انتقال جمعیتی دوم را پیش از دهه ۱۹۵۰ می‌توان یافت؛ زمانی که آمار طلاق در ایالات متحده و کشورهای اسکاندیناوی بالا رفت. چندی بعد، از نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ به بعد، شاهد هستیم که باروری از آن حالت انفجاری که قبلاً داشت، شروع به روند نزولی کرد. از سوی دیگر، سن افراد در اولین ازدواج افزایش یافت و آمار مجردان بالا رفت. از جمله تغییراتی که در ارتباط با گذار جمعیتی دوم، در خانواده مشاهده شد، به زعم لسته‌هاک و ون‌دکا (۱۹۸۶) گسترش زوج زیستی^۱ بود؛ به

1. Cohabitation

طوری که در فرانسه و انگلیس بیش از ۴۰ درصد موالید خارج از چارچوب ازدواج تولد یافتند، در حالی که در سال ۱۹۶۰، در دو کشور مذکور این نسبت شش درصد بود (رشنوند سرخکوله، ۱۳۹۷: ۴۸).

در این کشورها همزمان با تغییرات در سطح جامعه، شاهد تغییر و تحولات مهم تری در ازدواج، روابط جنسی و امور مربوط به خانواده هستیم. نهاد خانواده به مثابه یک نهاد اجتماعی در دهه‌های آخر قرن بیستم دستخوش تغییرات زیادی شد و تعهدات مربوط به ازدواج رسمی و فرزندآوری دچار فرسایش شد. در جوامعی که دچار باروری زیر سطح جانشینی هستند، انتظار می‌رود که شاهد کاهش میزان ازدواج، و نیز، افزایش در سن ازدواج، آمار طلاق و جدازستی باشیم.

خانواده در ایران از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای تغییر کرده، ازدواج‌های ترتیب داده شده جای خود را به ازدواج‌های مبتنی بر عشق و خودانتخابی داده‌اند، سن ازدواج افزایش یافته است و هم‌چنین، روابط و مناسبات بین دختر و پسر تغییر یافته، داشتن رابطه با جنس مخالف در میان جوانان عادی‌تر شده، نگرش به ازدواج تغییر یافته و تغییراتی از این دست که ناشی از این گذار بوده‌اند (رشنوند سرخکوله، ۱۳۹۷: ۵۲). از همین‌رو، به دلیل اثرات گذار دوم جمعیتی، بعضی از ارزش‌های خانواده در ایران نیز تغییر یافته است؛ که از آن جمله می‌توان به تغییر نگرش به ازدواج اشاره نمود. با افزایش سن ازدواج، روابط و مناسبات دختر و پسر نیز تغییر کرده و میزان طلاق نیز طی سال‌های اخیر روند افزایشی داشته است.

تغییرات فرهنگی اینگلهارت نیز چارچوب تئوریکی مناسبی برای تحلیل تغییرات نهاد خانواده و ازدواج پیش‌رو می‌گذارد. نظریه اینگلهارت نشأت گرفته از مفهوم فرهنگ به معنی مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهاست. وی افت آمار ازدواج و نرخ پایین افراد ازدواج‌کرده را ناشی از جریان کلی حرکت از ارزش‌های مادی به سمت ارزش‌های فرامادی می‌داند. نظر اینگلهارت این بود که در جهان غرب، نظام ارزش‌های سنتی نوعی نظام اقتصادی و اجتماعی پایداری پدید آورد که آن هم به نوبه خود، منجر به توسعه سرمایه‌داری و رشد اقتصادی سریع گردید؛ و محصول این رونق اقتصادی این بود که ارزش‌های فرامادی جانشین ارزش‌های مادی شدند (اینگلهارت ۱۳۸۲: ۵۹).

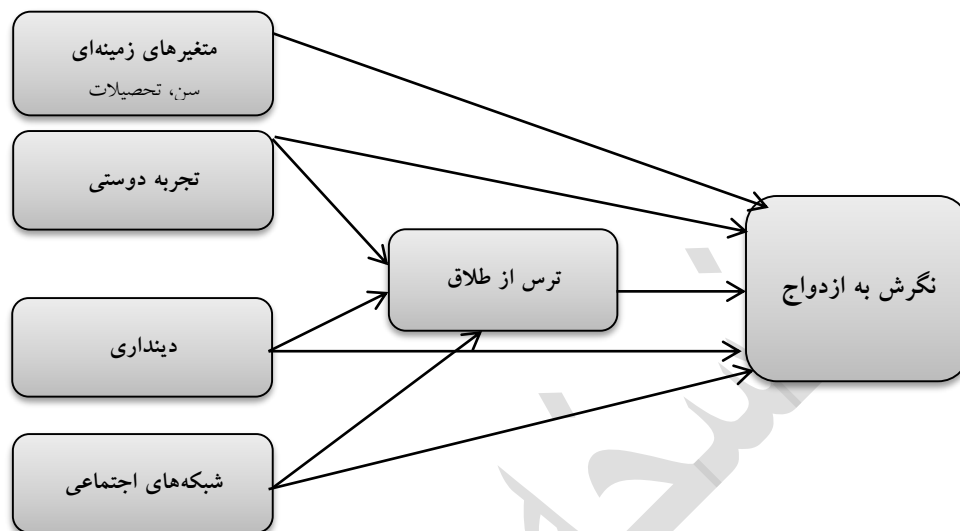
از نظر اینگلهارت، خانواده و به خصوص، تأکید بر ثبات خانواده، با نیاز انسان‌ها به امنیت و ایمنی مربوط است و لذا آن‌ها را می‌توان به عنوان ارزش‌های مادی‌گرایانه در نظر گرفت. اما زوج زیستی یا زندگی بدون شریک نشانه‌ای از زندگی فرامادی‌گرایانه با خود دارد (هامپلوا ۲۰۰۳: ۶).

یکی از نظریات در خصوص رسانه، نظریه استفاده و خشنودی است. مهم‌ترین فرض نظریه استفاده و خشنودی این است که مخاطب از میان مجاری ارتباطی و محتواهایی که به او عرضه می‌شود، دست به انتخابی آگاهانه و جهت‌دار می‌زند. بدین صورت که شرایط اجتماعی و ساختار روانی فرد مشترکاً بر عادات کلی استفاده از رسانه اثر می‌گذارد و همچنین، اعتقاد و توقع او از نفعی که از رسانه می‌توان برد، نگرش به ازدواج و مصرف رسانه را توسط او شکل می‌دهد که قضاوت در باب ارزش تجربه استفاده از رسانه را به دنبال دارد و احتمالاً منجر به کاربرد فواید حاصل شده در سایر عرصه‌های تجربه و فعالیت اجتماعی خواهد شد (رشنوند سرخکوله و وجدانی، ۱۴۰۱).

هر فرایند ارتباطی شامل سه بخش است: بخش اول: خود رسانه یا ابزار ارتباطی، بخش دوم: محتوای رسانه یا پیامی که رسانه بیان می‌کند، بخش سوم: مخاطب. در خصوص شدت تاثیرگذاری رسانه بر افراد، عوامل و متغیرهای بسیاری دخیل هستند که از آن جمله می‌توان به خود رسانه، محتوای رسانه و این‌که چه قابلیت‌هایی دارد و گستره و پوشش آن تا چه اندازه است، اشاره کرد. همچنین در این خصوص ویژگی‌های شخصیتی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی مخاطب نیز بسیار حائز اهمیت است. بنابراین، می‌توان گفت تاثیر رسانه از یک‌سو به خود رسانه و محتوای آن و از سوی دیگر، به ویژگی‌های مخاطب اعم از سن، تحصیلات، اعتقادات و باورهای دینی و ارزشی او بستگی دارد. برای مثال، دین‌داری همواره به منزله سدی در برابر گزینه مطرح بوده است؛ به طوری که روستوسکی^۱ از آن به مثابه عامل کنترل‌گرایی یاد می‌کند. او معتقد است که دین‌داری، شروع ارضای گرایز جنسی را به تعویق می‌اندازد. نتایج تحقیق وی گویای آن است که در میان افرادی که نمره‌ی دین‌داری بیش‌تری دارند، روابط جنسی زودهنگام کم‌تر است (روستوسکی و همکاران، ۲۰۰۴، به نقل از رشنوند سرخکوله و وجدانی، ۱۴۰۱).

بنابراین در تغییر ایده‌ها و ارزش‌هایی که در جامعه به وقوع می‌پیوندد، هم‌چون، تغییر نگرش نسبت به روابط میان دختر و پسر، تغییر در نگرش به ازدواج، تغییر و تحول در دین‌داری و نظایر اینها، غیر از نظریه گذار دوم جمعیتی، می‌توان به نظریه‌های فوق نیز مراجعه کرد. با توجه به پیشینه پژوهش و چارچوب نظری ارائه شده متغیرهای مطرح شده و نحوه ارتباط آن‌ها و تاثیرگذاری‌شان بر نگرش به ازدواج در مدل نظری زیر نشان داده شده است.

1. Rostosky



نمودار ۱. مدل نظری تحقیق و ارتباط بین متغیرهای تحقیق

با توجه به چارچوب و مدل نظری فوق، در پژوهش حاضر فرضیات زیر مطرح و مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

- بین سن دختران با نگرش به ازدواج رابطه وجود دارد.
- بین تحصیلات دختران با نگرش به ازدواج رابطه وجود دارد.
- بین ترس از طلاق با نگرش به ازدواج رابطه وجود دارد.
- بین تجربه دوستی با نگرش به ازدواج رابطه وجود دارد.
- بین دینداری با نگرش به ازدواج رابطه وجود دارد.
- بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی با نگرش به ازدواج رابطه وجود دارد.

۴. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش در زمره تحقیقات پیمایش مقطعی بوده و دارای ماهیت توصیفی - همبستگی است. جهت گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه‌ی ساخت‌یافته استفاده شده که در سال ۱۴۰۲ به انجام رسیده است.

جهت بررسی روایی پرسشنامه پژوهش، از روش اعتبار صوری و نظرخواهی از متخصصان و هم‌چنین تحلیل عاملی و جهت بررسی پایایی پرسشنامه پژوهش، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق شامل دختران مجرد (هرگز ازدواج نکرده یا هنوز ازدواج نکرده) ۲۰-۳۴ ساله ساکن شهر تهران در سه منطقه ۳، ۸ و ۱۵ است.

مناطق ۲۲ گانه شهر تهران از نظر سطح برخورداری و کیفیت زندگی به سه منطقه اصلی تقسیم می‌شوند: منطقه توسعه‌یافته (برخوردار)، منطقه توسعه‌یافتگی متوسط (نیمه‌برخوردار) و منطقه توسعه‌نیافته (کم‌برخوردار) (احمدی و جهانگرد، ۱۴۰۰). با توجه به این‌که مطالعه کل مناطق ۲۲ گانه شهر تهران بسیار زمان‌بر و پرهزینه است، بنابراین، از بین مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، از هر یک از سه منطقه اصلی، یک منطقه به شیوه تصادفی ساده انتخاب شده است. منطقه ۳ به عنوان منطقه توسعه‌یافته (برخوردار)، منطقه ۸ به عنوان منطقه‌ای با توسعه‌یافتگی متوسط (نیمه‌برخوردار) و منطقه ۱۵ به عنوان منطقه توسعه‌نیافته (کم‌برخوردار) در نظر گرفته شده است.

بنابراین، جامعه آماری تحقیق شامل دختران مجرد ۲۰-۳۴ ساله ساکن شهر تهران در سه منطقه ۳، ۸ و ۱۵ است. بر اساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، تعداد دختران مجرد یا هنوز ازدواج نکرده در این سه منطقه برابر با ۷۰۵۵۴ نفر بوده است (جدول ۱).

تعداد نمونه مورد مطالعه در این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۲ نفر برآورد گردید. شیوه نمونه‌گیری ترکیبی از طبقه‌بندی چندمرحله‌ای و تصادفی ساده بوده است. بدین‌صورت که ابتدا جمعیت دختران مجرد در سه منطقه سه، هشت و پانزده (۷۰۵۵۴ نفر) در نظر گرفته شد. در ادامه به تناسب جمعیت در هر منطقه تعداد نمونه در آن منطقه مشخص گردید. به گونه‌ای‌که، از کل جمعیت جامعه آماری، ۳۴/۷ درصد آنان در منطقه سه، ۳۳/۲ درصد در منطقه هشت و ۳۲/۱ درصد در منطقه پانزده قرار داشتند. بنابراین از روی توزیع درصد در هر منطقه توزیع جمعیت در آن منطقه محاسبه گردید. بنابراین تعداد نمونه در منطقه سه ۱۳۲ نفر، در منطقه هشت ۱۲۷ نفر و در منطقه پانزده ۱۲۳ نفر برآورد گردید (جدول ۱).

جدول ۱. توزیع جمعیت ۲۰-۳۴ ساله دختران مجرد بر اساس مناطق ۳، ۸ و ۱۵ شهر تهران، ۱۳۹۵

مناطق	ساله ۲۰-۲۴	ساله ۲۵-۲۹	ساله ۳۰-۳۴	کل جمعیت	توزیع درصد	توزیع جمعیت
-------	------------	------------	------------	----------	------------	-------------

منطقه ۳	۸۹۷۵	۸۵۸۳	۶۹۳۵	۲۴۴۹۳	۳۴/۷	۱۳۲
منطقه ۸	۹۱۸۷	۸۲۸۶	۵۹۶۲	۲۳۴۳۵	۳۳/۲	۱۲۷
منطقه ۱۵	۱۰۲۷۷	۷۳۲۸	۵۰۲۱	۲۲۶۲۶	۳۲/۱	۱۲۳
کل	۲۸۴۳۹	۲۴۱۹۷	۱۷۹۱۸	۷۰۵۵۴	۱۰۰/۰	۳۸۲

منبع: پردازش از داده‌های سرشماری شهر تهران، ۱۳۹۵

در ادامه از روی توزیع درصد در هر گروه سنی توزیع جمعیت نمونه در آن گروه سنی محاسبه گردید. بدین ترتیب که در منطقه سه، ۳۶/۶ درصد دختران مجرد در گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله، ۳۵ درصد در گروه سنی ۲۹-۲۵ ساله و ۲۸/۳ درصد دختران مجرد در گروه سنی ۳۴-۳۰ ساله قرار داشتند، بنابراین از ۱۳۲ نفر نمونه منطقه سه، ۴۸ نفر به گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله، ۴۶ نفر به گروه سنی ۲۹-۲۵ ساله و ۳۷ نفر به گروه سنی ۳۴-۳۰ ساله اختصاص پیدا کرد. بدین ترتیب نمونه ۱۳۲ نفری ما در منطقه سه تکمیل گردیده است. به همین ترتیب در دو منطقه دیگر (منطقه ۸ و منطقه ۱۵)، از روی توزیع درصد در هر گروه سنی توزیع جمعیت نمونه در آن گروه سنی محاسبه گردید (جدول ۲). برای تکمیل پرسشنامه‌ها از روش تصادفی خوشه‌ای استفاده شده است. بدین صورت که از هر منطقه یک خیابان اصلی انتخاب گردید، از هر خیابان به طور تصادفی ساده یک کوچه انتخاب گردید. سپس با مراجعه به درب منزل در صورت وجود دختران مجرد که حاضر به مصاحبه بودند، پرسشنامه تکمیل گردید.

جدول ۲. توزیع نمونه تحقیق حسب گروه‌های سنی و مناطق ۳، ۸ و ۱۵ شهر تهران، ۱۳۹۵

مناطق	۲۴-۲۰ ساله	۲۹-۲۵ ساله	۳۴-۳۰ ساله	کل
منطقه ۳	۴۸	۴۶	۳۷	۱۳۲
منطقه ۸	۵۰	۴۵	۳۲	۱۲۷
منطقه ۱۵	۵۶	۴۰	۲۸	۱۲۳
کل	۱۵۴	۱۳۱	۹۷	۳۸۲

منبع: پردازش از داده‌های سرشماری شهر تهران، ۱۳۹۵

در این پژوهش، متغیرهای دینداری، استفاده از شبکه‌های اجتماعی، ترس از طلاق، تجربه دوستی، سن و تحصیلات متغیرهای مستقل به شمار می‌روند. متغیر وابسته نیز، نگرش به ازدواج است. جهت سنجش متغیر نگرش به ازدواج از ۹ گویه (اولویت داشتن ادامه تحصیل بر ازدواج، اولویت داشتن اشتغال بر ازدواج، داشتن زندگی مشترک دختر و پسر بدون ازدواج، ازدواج سنگ بنا و اساس

خانواده، بهتر است فرد دیر ازدواج کند، لذت بردن از دوره مجردی به جای ازدواج، ازدواج پاسخی به نیازهای عاطفی و روحی، خوشحال‌تر بودن افراد مجرد از افراد ازدواج‌کرده و ترجیح دادن مجردی تا آخر عمر) استفاده شده است. این سوالات در قالب طیف لیکرت پنج گزینه‌ای از کاملاً مخالفم با کد یک تا کاملاً موافقم با کد پنج بوده است. مطابق نتایج جدول ۳، مقدار استاندارد شده آلفای کرونباخ برای متغیر نگرش به ازدواج برابر با ۰/۸۲۷ است. هم‌چنین، جهت سنجش روایی گویه‌های متغیر نگرش به ازدواج از روش اعتبار صوری و نظرخواهی از متخصصان و هم‌چنین تحلیل عاملی استفاده شده است. با توجه به نتایج جدول ۳، گویه‌های مدنظر قابل تقلیل به یک عامل زیربنایی می‌باشند. در نتیجه، گویه‌های مربوط به متغیر نگرش به ازدواج از میزان روایی و پایایی خوبی جهت سنجش این متغیر برخوردار هستند (جدول ۳). در نهایت ۹ گویه ذکر شده با هم جمع شده و متغیر نگرش به ازدواج که متغیری در مقیاس شبه‌فاصله‌ای است، به دست آمده است. نمره بالاتر به معنای نگرش مثبت به ازدواج و نمره پایین به معنای نگرش منفی به ازدواج است.

جهت سنجش متغیر دینداری، از ۹ گویه (شرکت در هیات‌های مذهبی، شرکت در مجالس دعا، شرکت در جشن‌ها و اعیاد مذهبی، شرکت در نماز جماعت، خواندن نمازهای یومیه به طور کامل، مقید به گرفتن روزه، مقید به دادن خمس و زکات در صورتی که بر من واجب باشد، مقید به رعایت حجاب و پوشش مناسب و مقید به انجام غسل واجب) استفاده شده است. این سوالات در قالب طیف لیکرت پنج گزینه‌ای از اصلاً با کد یک تا همیشه با کد پنج بوده است. ضریب آلفای کرونباخ برای متغیر دینداری برابر با ۰/۹۶۹ است. جهت سنجش روایی گویه‌های متغیر دینداری از روش اعتبار صوری و نظرخواهی از متخصصان و هم‌چنین تحلیل عاملی استفاده شده است. با توجه به نتایج جدول ۳، گویه‌های مدنظر قابل تقلیل به یک عامل زیربنایی می‌باشند. در نتیجه، گویه‌های مربوط به متغیر دینداری از میزان روایی و پایایی خوبی جهت سنجش این متغیر برخوردار هستند (جدول ۳). در نهایت ۹ گویه ذکر شده با هم جمع شده و متغیر دینداری که متغیری در مقیاس شبه‌فاصله‌ای است، به دست آمده است. نمره بالاتر به معنای دینداری بیشتر و نمره پایین به معنای دینداری کمتر است.

جهت سنجش متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی از دختران پرسیده شده است که: چند ساعت در روز از شبکه‌های اجتماعی هم‌چون تلگرام، اینستاگرام، واتساپ، تیک‌تاک، فیس‌بوک و... استفاده می‌کنید؟ بنابراین متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی دارای مقیاس نسبی است.

جهت سنجش متغیر ترس از طلاق، از ۶ گویه (وقتی به ازدواج فکر می‌کنم، به یاد دوستان طلاق گرفته‌ام می‌افتم و استرس می‌گیرم، بخش زیادی از دغدغه‌های من نگرانی از این است که نتوانم ازدواج موفق‌تری داشته باشم، فکر می‌کنم برای ازدواج باید شرایط زیادی بگذارم تا از نگرانی‌هایم بابت عاقبت زندگی مشترک، خیالم راحت شود، به نظرم بیش‌تر ازدواج‌های امروزی عاقبت خوشی ندارد، امروزه به خاطر احتمال بالای طلاق، جوانان از خیر ازدواج می‌گذرند و بیش‌تر دوستان من مدت کوتاهی پس از ازدواج، طلاق گرفته‌اند) استفاده شده است. این سوالات در قالب طیف لیکرت پنج گزینه‌ای از کاملاً مخالفم با کد یک تا کاملاً موافقم با کد پنج بوده است. ضریب آلفای کرونباخ برای متغیر ترس از طلاق برابر با ۰/۷۸۶ است. جهت سنجش روایی گویه‌های متغیر ترس از طلاق از روش اعتبار صوری و نظرخواهی از متخصصان و هم‌چنین، تحلیل عاملی استفاده شده است. با توجه به نتایج جدول ۳، گویه‌های مدنظر قابل تقلیل به یک عامل زیربنایی می‌باشند. در نتیجه، گویه‌های مربوط به متغیر ترس از طلاق از میزان روایی و پایایی خوبی جهت سنجش این متغیر برخوردار هستند (جدول ۳). در نهایت ۶ گویه ذکر شده با هم جمع شده و متغیر ترس از طلاق که متغیری در مقیاس شبه‌فاصله‌ای است، به دست آمده است. نمره بالاتر به معنای ترس از طلاق بیش‌تر و نمره پایین به معنای ترس از طلاق کم‌تر است.

جهت سنجش متغیر تجربه دوستی از دختران پرسیده شد که: آیا با جنس مخالف تجربه دوستی داشته‌اید؟ پاسخ بله با کد یک و پاسخ خیر با کد صفر مشخص شده است. بنابراین، متغیر تجربه دوستی در مقیاس اسمی دو ارزشی است. جهت سنجش متغیر سن از دختران پرسیده شد که چند سال دارند؟ بنابراین متغیر سن دارای مقیاس فاصله‌ای است. متغیر تحصیلات نیز به دو صورت مورد پرسش قرار گرفته است. در مقیاس ترتیبی (زیردیپلم و دیپلم با کد یک، کاردانی با کد دو، کارشناسی با کد سه و کارشناسی ارشد و بالاتر با کد چهار)، و در مقیاس فاصله‌ای با پرسش از تعداد کلاس‌هایی که فرد به صورت رسمی در مدارس و دانشگاه‌ها درس خوانده است.

جدول ۳. تعداد، اعتبار و ضریب پایایی گویه‌های متغیرهای پژوهش

مقدار آلفای کروباخ	تحلیل عاملی		تعداد گویه‌ها	نام متغیر
	آزمون بارتلت	مقدار کیزر-مایر-اُلکین ^۱		
۰/۸۲۷	۱۸۷۴/۵۱۲	۰/۸۵۲	۹	نگرش به ازدواج
۰/۹۶۹	۲۳۵۴/۶۲۱	۰/۹۴۳	۹	دینداری
۰/۷۸۶	۱۷۲۸/۴۳۶	۰/۷۳۹	۶	ترس از طلاق

جهت آزمون روابط دو متغیره بین متغیر وابسته تحقیق که شبه‌فاصله‌ای است (نگرش به ازدواج) و متغیرهای مستقلی که در مقیاس نسبی، فاصله‌ای و شبه‌فاصله‌ای هستند (دینداری، استفاده از شبکه‌های اجتماعی، ترس از طلاق، سن و تحصیلات) از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. هم‌چنین، جهت سنجش رابطه دو متغیره بین متغیر وابسته تحقیق و متغیر تجربه دوستی که در مقیاس اسمی دو ارزشی است، از آزمون T با دو نمونه مستقل استفاده شده است. جهت سنجش تحلیل چندمتغیره بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل، از آزمون رگرسیون خطی چندمتغیره و تحلیل مسیر استفاده شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

توزیع نمونه تحقیق بر حسب گروه‌های سنی حاکی از آن است که ۱۵۴ نفر معادل ۴۰/۳ درصد در گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله، ۱۳۱ نفر معادل ۳۴/۳ درصد در گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله و ۹۷ نفر معادل ۲۵/۴ درصد در گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله قرار دارند. لازم به ذکر است که تقسیم‌بندی نمونه آماری در گروه‌های سنی مختلف با توجه به نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ شهر تهران است. بنابراین، کاملاً منطبق با نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ شهر تهران می‌باشد. میانگین سنی نمونه تحقیق ۲۶/۰ سال است.

۵۰ نفر معادل ۱۳/۱ درصد نمونه تحقیق دارای تحصیلات زیردیپلم و دیپلم هستند. ۷۳ نفر معادل ۱۹/۱ درصد تحصیلات کاردانی دارند. ۱۵۲ نفر معادل ۳۹/۸ درصد نمونه تحقیق تحصیلات کارشناسی دارند و ۱۰۷ نفر معادل ۲۸/۰ درصد تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر دارند. بنابراین، حدود ۶۸ درصد نمونه تحقیق دارای تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد و بالاتر هستند.

نتایج تحلیل دومتغیره متغیرهای پژوهش در جداول ۴ و ۵ آمده است. مطابق یافته‌های جدول ۴ رابطه آماری معناداری بین تحصیلات با نگرش به ازدواج مشاهده نشد. سایر متغیرهای تحقیق رابطه معناداری

1. KMO

با نگرش به ازدواج دارند. این رابطه در سن و دینداری مثبت و در ترس از طلاق و استفاده از شبکه‌های اجتماعی منفی است. بدین معنا که هرچه میزان دینداری و سن پاسخگویان بالاتر می‌رود، نگرش مثبت به ازدواج افزایش می‌یابد. از سویی دیگر هرچه ترس از طلاق و استفاده از شبکه‌های اجتماعی افزایش می‌یابد، نگرش مثبت به ازدواج کاهش می‌یابد.

جدول ۴. رابطه بین برخی متغیرهای مستقل و نگرش به ازدواج

سطح معناداری	ضریب همبستگی	برخی متغیرهای مستقل
۰/۰۱۷	۰/۱۹۲	سن
۰/۱۴۲	۰/۰۹۴	تحصیلات
۰/۰۰۲	-۰/۲۳۶	ترس از طلاق
۰/۰۰۰	۰/۳۹۷	دینداری
۰/۰۰۰	-۰/۳۴۸	استفاده از شبکه‌های اجتماعی

جدول شماره ۵، رابطه بین متغیر وابسته و متغیر مستقل تجربه دوستی را نشان می‌دهد. در خصوص رابطه بین تجربه دوستی و نگرش به ازدواج، نتایج آزمون t ($t = ۸/۹۲۱$ و $\text{Sig} = ۰/۰۰۷$) گویای آن است که میانگین‌های دو گروه دخترانی که تجربه دوستی داشته و دخترانی که تجربه دوستی نداشته تفاوت معناداری با یکدیگر داشته و این دو گروه با سطح اطمینان ۹۹ درصد در میانگین نمره نگرش به ازدواج با هم تفاوت دارند. میانگین نمره نگرش به ازدواج برای دخترانی که تجربه دوستی داشته برابر با $۳۵/۶۸۸۵$ و میانگین نمره نگرش به ازدواج برای دخترانی که تجربه دوستی نداشته برابر با $۳۸/۰۶۸۳$ است. همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، میانگین نمره نگرش به ازدواج در بین دخترانی که تجربه دوستی نداشته بیش از دخترانی است که تجربه دوستی داشته‌اند و اختلاف این میانگین برابر با $۲/۳۷۹۸۱$ می‌باشد. بنابراین دخترانی که تجربه دوستی نداشته‌اند، نگرش مثبت‌تری به ازدواج دارند.

جدول ۵. آزمون T با دو نمونه مستقل بین متغیر تجربه دوستی و نگرش به ازدواج

متغیر	طبقات متغیر	میانگین نگرش به ازدواج	تفاوت میانگین	آزمون T	سطح معناداری
تجربه	بله	$۳۵/۶۸۸۵$	$۲/۳۷۹۸۱$	$۸/۹۲۱$	$۰/۰۰۷$
دوستی	خیر	$۳۸/۰۶۸۳$			

برای بررسی تاثیر همزمان تمامی متغیرهای تحقیق بر نگرش به ازدواج از تکنیک رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده شده است. جهت فهم دقیق‌تر، این تحلیل در قالب دو مدل آورده شده است. در مدل اول متغیرهای زمینه‌ای شامل سن و تحصیلات وارد معادله گردیده است. در مدل دوم علاوه بر متغیرهای زمینه‌ای، چهار متغیر ترس از طلاق، تجربه دوستی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و دینداری وارد مدل شده و تاثیر همزمان تمامی متغیرها بر روی متغیر وابسته آزمون شده است.

لازم به ذکر است پیش‌فرض‌های رگرسیون مانند آماره دوربین واتسون و آماره تورم واریانس (VIF) محاسبه گردید. بررسی استقلال خطاها با استفاده از آزمون دوربین-واتسون صورت گرفت. مقدار این آماره برای مدل برابر با ۲/۰۹ بود. همچنین آماره تورم واریانس (VIF) انجام شد و عدد به دست آمده کمتر از ۲ بود، که نشان می‌دهد میزان هم خطی بین متغیرهای مستقل نگران‌کننده نیست. بنابراین شرایط استفاده از رگرسیون خطی چندمتغیره جهت تحلیل و آزمون چندمتغیره فراهم شده است.

در مدل اول متغیرهای سن و تحصیلات وارد معادله گردیده است. متغیر سن رابطه معناداری با نگرش به ازدواج دارد. مقدار بتای به دست آمده برای این متغیر مثبت است؛ این بدین معناست که با افزایش سن دختران، نگرش مثبت آنان به ازدواج افزایش می‌یابد. رابطه آماری معناداری بین تحصیلات با نگرش به ازدواج مشاهده نشد. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۰۵۲ می‌باشد و نشان دهنده این است که متغیر سن توانسته است ۵/۲ درصد تغییرات متغیر وابسته (نگرش به ازدواج) را تبیین کند (جدول ۶).

در مدل دوم علاوه بر متغیرهای زمینه‌ای، چهار متغیر ترس از طلاق، تجربه دوستی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و دینداری وارد مدل شده و تاثیر همزمان تمامی متغیرها بر روی متغیر وابسته آزمون شده است. نتایج حاکی از آن است که به جز متغیر تحصیلات، سایر متغیرهای پژوهش رابطه آماری معناداری با نگرش به ازدواج دارند. این رابطه در سن و دینداری مثبت و در ترس از طلاق، تجربه دوستی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی منفی است. بدین معنا که هرچه میزان دینداری و سن پاسخگویان بالاتر می‌رود، نگرش مثبت به ازدواج افزایش می‌یابد. از سویی دیگر هرچه ترس از طلاق، داشتن تجربه دوستی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی افزایش می‌یابد، نگرش مثبت به ازدواج کاهش می‌یابد (جدول ۶).

جدول ۶. تحلیل چندمتغیره متغیرهای پژوهش با نگرش به ازدواج با استفاده از رگرسیون خطی چندمتغیره

متغیرهای مستقل	مدل ۱			مدل ۲		
	Beta	T	sig	Beta	T	sig
سن	۰/۲۰۴	۲/۴۷۱	۰/۰۱۶	۰/۱۹۶	۲/۴۷۴	۰/۰۱۴
تحصیلات	۰/۰۹۶	۱/۵۷۳	۰/۱۲۸	۰/۰۸۱	۱/۳۳۸	۰/۱۸۲
ترس از طلاق				-۰/۲۴۵	-۲/۸۶۴	۰/۰۰۵
تجربه دوستی (بله=۱، خیر=۰)				-۰/۲۸۴	-۳/۴۷۶	۰/۰۰۲
استفاده از شبکه‌های اجتماعی				-۰/۳۷۹	-۴/۷۵۹	۰/۰۰۰
دینداری				۰/۴۹۸	۶/۹۸۷	۰/۰۰۰
Method	Enter	Enter		Enter	Enter	
R	۰/۲۳۱			۰/۶۴۸		
Adjusted R Square	۰/۰۵۲			۰/۳۴۹		
F	۶/۷۶۸			۲۱/۷۳۹		
Sig	۰/۰۰۱			۰/۰۰۰		

مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۳۴۹ می‌باشد و نشان دهنده این است که متغیرهای تحقیق توانسته‌اند حدود ۳۵ درصد تغییرات متغیر وابسته (نگرش به ازدواج) را تبیین کنند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود مقدار ضریب تعیین تعدیل شده با ورود این چهار متغیر حدود ۳۰ درصد افزایش یافته (از ۵/۲ درصد به ۳۴/۹ درصد) است، که این امر حاکی از اهمیت چهار متغیر ترس از طلاق، تجربه دوستی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و دینداری است. متغیر دینداری با ضریب ۰/۴۹۸، متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی با ضریب ۰/۳۷۹، متغیر تجربه دوستی با ضریب ۰/۲۸۴، متغیر ترس از طلاق با ضریب ۰/۲۴۵ و متغیر سن با ضریب ۰/۱۹۶، به ترتیب، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های نگرش به ازدواج هستند (جدول ۶).

با توجه به مدل نظری تحقیق و به منظور بررسی اثر متغیرهای مستقل مطالعه بر ترس از طلاق، متغیرهای تجربه دوستی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و دینداری، هم‌زمان وارد مدل رگرسیونی خطی چندمتغیره شدند. مطابق با نتایج جدول ۷ متغیرهای تجربه دوستی با ضریب رگرسیونی استاندارد (۰/۲۴۷)، استفاده از شبکه‌های اجتماعی با ضریب (۰/۳۶۵) و دینداری با ضریب (-۰/۳۱۷) با متغیر ترس از طلاق ارتباط معنادار نشان دادند. مطابق با نتایج، دخترانی که تجربه دوستی داشته‌اند، ترس از طلاق بیش‌تری دارند. هرچه استفاده از شبکه‌های اجتماعی افزایش یابد، ترس از طلاق نیز افزایش می‌یابد و

هرچه دینداری بیش تر باشد، ترس از طلاق کاهش می یابد. متغیرهای تحقیق توانسته اند حدود ۳۱ درصد تغییرات ترس از طلاق دختران را تبیین کنند. متغیر استفاده از شبکه های اجتماعی با ضریب ۰/۳۶۵، متغیر دینداری با ضریب ۰/۳۱۷ و متغیر تجربه دوستی با ضریب ۰/۲۴۷ به ترتیب قوی ترین پیش بینی کننده های ترس از طلاق هستند (جدول ۷).

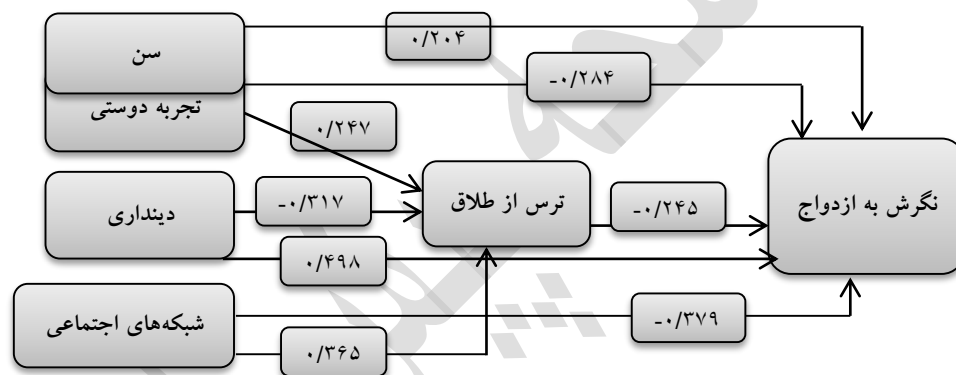
جدول ۷. تحلیل چندمتغیره متغیرهای پژوهش با ترس از طلاق با استفاده از رگرسیون خطی چندمتغیره

متغیرهای مستقل	B	Beta	T	sig
تجربه دوستی (بله=۱، خیر=۰)	۰/۲۴۷	۰/۲۴۷	۲/۴۱۸	۰/۰۳۲
استفاده از شبکه های اجتماعی	۰/۳۶۵	۰/۳۶۵	۵/۲۳۴	۰/۰۰۱
دینداری	-۰/۳۱۷	-۰/۳۱۷	-۳/۱۶۵	۰/۰۰۲
Method	Enter			
R	۰/۶۱۴			
Adjusted R Square	۰/۳۰۹			
F	۱۸/۷۲۸			
sig	۰/۰۰۰			

جدول ۸. جمع اثرات متغیرهای مستقل پژوهش بر نگرش به ازدواج

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	کل اثر
سن	۰/۲۰۴	-	۰/۲۰۴
تجربه دوستی	-۰/۲۸۴	تجربه دوستی $\leftarrow$ ترس از طلاق (۰/۲۴۷) ترس از طلاق $\leftarrow$ نگرش به ازدواج (-۰/۲۴۵) کل اثر غیرمستقیم: (-۰/۲۴۵) $\times$ (۰/۲۴۷) = (-۰/۰۶۱)	-۰/۳۴۵
شبکه های اجتماعی	-۰/۳۷۹	شبکه های اجتماعی $\leftarrow$ ترس از طلاق (۰/۳۶۵) ترس از طلاق $\leftarrow$ نگرش به ازدواج (-۰/۲۴۵) کل اثر غیرمستقیم: (-۰/۲۴۵) $\times$ (۰/۳۶۵) = (-۰/۰۸۹)	-۰/۴۶۸
دینداری	۰/۴۹۸	دینداری $\leftarrow$ ترس از طلاق (-۰/۳۱۷) ترس از طلاق $\leftarrow$ نگرش به ازدواج (-۰/۲۴۵) کل اثر غیرمستقیم: (-۰/۲۴۵) $\times$ (-۰/۳۱۷) = (۰/۰۷۸)	۰/۵۷۶
ترس از طلاق	-۰/۲۴۵	-	-۰/۲۴۵

جدول ۸ مجموع اثرات متغیرهای مستقل معنادار را در مدل تحلیل مسیر پژوهش نشان می‌دهد. مطابق یافته‌ها، متغیرهای ترس از طلاق، تجربه دوستی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی، دینداری و سن بر نگرش دختران به ازدواج اثرگذار بودند. نکته قابل توجه، اثرگذاری تجربه دوستی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و دینداری بر ترس از طلاق و واسطه بودن ترس از طلاق برای اثرگذاری این سه متغیر بر نگرش به ازدواج دختران مورد مطالعه است. این مورد در نمودار ۲ نیز به صورت دیاگرام مسیر نشان داده شده است.



نمودار ۱. مدل تجربی تحقیق و ارتباط بین متغیرهای تحقیق
منبع: یافته‌های تحقیق

۶. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

کاهش نگرش مثبت به ازدواج در میان نسل جدید، یکی از نگرانی‌های صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران حوزه فرهنگ و خانواده است. این مساله می‌تواند حاصل مسائل و مشکلات گوناگونی باشد. در تحقیق حاضر، رابطه میان متغیرهای: استفاده از شبکه‌های اجتماعی، ترس از طلاق، تجربه دوستی (با جنس مخالف) و دینداری با متغیر نگرش به ازدواج مورد بررسی قرار گرفت.

بر اساس یافته‌ها، میانگین نمره نگرش به ازدواج در بین دخترانی که تجربه دوستی نداشته‌اند، بیش از دخترانی است که تجربه دوستی داشته‌اند. به عبارت دیگر، دخترانی که تجربه دوستی نداشته‌اند، نگرش مثبت‌تری به ازدواج دارند. این یافته همسو با یافته خلیج آبادی فراهانی و شجاعی (۱۳۹۲) و گاقان (۲۰۰۲)

است. گرچه برخی تحقیقات نیز بیش‌تر بر اثرات منفی تجربه جنسی بر افزایش سن ازدواج تاکید کرده‌اند (خلج آبادی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۲). به نظر می‌رسد دخترانی که ترجیح می‌دهند سال‌های اولیه جوانی را به جای ازدواج و تشکیل خانواده، با دوستی‌ها و تجارب متنوع پر کنند در واقع، نیازهای خود را کم و بیش از طرق دیگر و البته پرخطرتری پاسخ می‌دهند و لذا ممکن است ضرورت در پیش گرفتن ازدواج رسمی یا فوریت آن را کم‌تر احساس کنند. هم‌چنین، جوانانی که ملاک‌های خاصی برای ازدواج دارند، هم‌چون رابطه طولانی قبل از ازدواج به بهانه شناخت، و یا ضرورت تجربه عشق قبل از ازدواج، بیش‌تر به سوی دوستی می‌روند و ازدواج را به تاخیر می‌اندازند و البته سخت‌گیری بیش‌تری برای انتخاب همسر به خرج خواهند داد.

یکی دیگر از یافته‌ها، وجود رابطه مثبت معنادار میان دینداری با نگرش به ازدواج بود. این یافته همسو با یافته‌های (رشوند سرخکوله ۱۳۹۷؛ سرایی و اجاقلو ۱۳۹۲) است. خلج آبادی فراهانی (۱۴۰۰) نیز پایبندی مذهبی را به عنوان یکی از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های ازدواج برای جوانان گزارش کرده است. آموزه‌های دینی، با سوق دادن جوانان به سوی ازدواج به موقع، و تامین نیازهای عاطفی و جنسی صرفاً در چارچوب ازدواج، و اعلام ممنوعیت روابط عاطفی یا جنسی افراد در خارج از چارچوب شرع، و حتی با تشویق و تحسین افراد متاهل، انگیزه‌بخش جوانان جهت ازدواج است. در حالی‌که در نقطه مقابل، و همان‌گونه که این تحقیق نیز نشان داد، استفاده از شبکه‌های اجتماعی، نگرش مثبت به ازدواج را کاهش می‌دهد. چرا که زندگی با سبک مدرن، روابط آزاد، تنوع پارتnerها و رابطه بدون تعهد را در میان جوانان اشاعه می‌دهد. شهانواز و همکاران (۱۳۹۹) نیز تاثیر رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی را بر تغییر نگرش و تجرد جوانان مورد تاکید قرار دادند. سرایی و اجاقلو (۱۳۹۲) نیز دریافته‌اند که تجربه جهانی شدن، رابطه معکوس و منفی با ارزش ازدواج دارد.

یکی دیگر از یافته‌ها، وجود رابطه منفی میان ترس از طلاق و نگرش به ازدواج بود. بدین معنا که هرچه ترس از طلاق افزایش یابد، نگرش مثبت به ازدواج کاهش می‌یابد. در تبیین این یافته می‌توان گفت ازدواج یک تصمیم مهم برای هر جوانی است و انسان به عنوان یک موجود عاقل که محاسبه هزینه-فایده می‌کند، زمانی که دل‌نگرانی زیادی درمورد پایداری زندگی مشترک داشته باشد، هزینه‌های عاطفی-روانی، سرمایه مادی و همین‌طور، زمان و عمر خود را صرف آن نمی‌کند یا حداقل، دچار تردید شده، این تصمیم

را به تاخیر خواهد انداخت. برعکس، دلگرمی، امید و اطمینان خاطر، این شرایط را تامین می‌کند که جوان مسیری را که درست می‌داند، بدون تزلزل فکری و نگرانی پیگیری کند.

در بخش دیگری از تحقیق، زمانی که متغیرهای زمینه‌ای شامل سن و تحصیلات وارد معادله شد، رابطه آماری معناداری بین تحصیلات با نگرش به ازدواج مشاهده نشد؛ یافته‌ای که همسو با یافته سیاح و همکاران (۱۳۹۷) و کیان پور و همکاران (۱۴۰۲) بود. اما متغیر سن رابطه معناداری با نگرش به ازدواج دارد. بدین معنا که با افزایش سن دختران، نگرش مثبت آنان به ازدواج افزایش می‌یابد. به نظر می‌رسد که اوایل دوره جوانی، فرصت محدودی است که دخترها همزمان برای ادامه تحصیل، رشد شخصی، ازدواج و حتی ورود به دنیای کار در اختیار دارند. تحت تاثیر مدرنیته و افزایش فردگرایی و تمایل به برابری در میان دخترهای نسل جدید، بخش قابل توجهی از دخترها ممکن است در رقابت این موارد، ادامه تحصیل و رشد شخصی و استقلال اقتصادی را در اولویت قرار دهند، و البته با افزایش سن و پس از دستیابی نسبی به خواسته‌های پیش گفته، و از طرفی با سپری شدن سن تنوع‌طلبی و هیجان‌خواهی و ورود به شرایط فکری پخته تر بعدی و تمایل به سامان‌یابی زندگی، بیش‌تر به فکر ازدواج بیفتند. از سوی دیگر، ممکن است پس از تجربه دوستی‌های متعدد که به دلیل ناپایداری، ناکامی‌های متعدد و آسیب‌های روحی روانی را نیز در پی دارد، ترجیح دهند که وارد مسیر ازدواج شوند و روابط پایدارتری را برای ادامه زندگی و یافتن ثبات در زندگی شکل دهند.

از سوی دیگر نتایج تحلیل مسیر بیانگر نقش میانجی و واسطه‌ای ترس از طلاق در ارتباط با تاثیرگذاری متغیرهای استفاده از شبکه‌های اجتماعی، دینداری و تجربه دوستی بر نگرش دختران به ازدواج بود. دخترانی که تجربه دوستی داشته‌اند، ترس از طلاق بیش‌تری دارند. هرچه استفاده از شبکه‌های اجتماعی افزایش یابد، ترس از طلاق نیز افزایش می‌یابد و هرچه دینداری بیش‌تر باشد، ترس از طلاق کاهش می‌یابد. در تبیین این یافته، می‌توان به این نکته اشاره کرد که استفاده از شبکه‌های مجازی، مشوق رابطه دوستی است و رابطه دوستی به ویژه دوستی‌های متعدد و روابط پیشرفته، ولی موقتی که با ناپایداری‌ها و شکنندگی‌های زیادی مواجه است، با ایجاد بدبینی و بی‌اعتمادی به جنس مخالف (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰) و پیش‌بینی مشکلات پس از ازدواج، ترس از طلاق را افزایش می‌دهد؛ و دینداری، از سویی با سامان دادن به روابط با جنس مخالف در دوران مجردی و تامین سلامت معنوی، اخلاقی و

جنسی، و از سوی دیگر، با پایه‌ریزی روابط سالم و داخل چارچوب در میان زوجین از سوی دیگر، اطمینان و آرامش را در میان زوجین حاکم می‌کند و نگرانی و ترس از طلاق را کاهش می‌دهد و از این رهگذر، نگرش و تمایل به ازدواج را تقویت می‌کند.

با توجه به یافته‌ها، آموزش‌های لازم جهت مدیریت مصرف رسانه و تقویت سواد رسانه‌ای در بین کودکان، نوجوانان و جوانان (در مدرسه و دانشگاه)؛ و نیز تقویت دینداری از اوان دوران کودکی (در دامن خانواده) و سپس اهتمام به آن توسط نهادهای رسمی و غیر رسمی هم‌چون: مهدهای کودک، مدارس، رسانه‌ها و حتی دانشگاه‌ها توصیه می‌شود.

۷. تعارض منافع

نویسندگان هیچ گونه تعارض منافع با شخص یا سازمانی ندارند.

منابع:

- احمدی، اکبر و اسفندیار جهانگرد. (۱۳۹۹). رتبه‌بندی محلات شهر تهران از نظر سطح برخورداری و کیفیت زندگی با استفاده از Fuzzy TOPSIS. *اقتصاد شهری*، ۵ (۱)، صص: ۱۲۷-۱۴۸.
- آزاد ارمکی، محمدتقی؛ ملکی، امیر (۱۳۸۶). تحلیل ارزش‌های سستی و مدرن در سطوح خرد و کلان. *نامه علوم اجتماعی*، ۳۰، ۹۷-۱۲۲.
- آقامحمدیان شهرباف، حمیدرضا؛ نیمروزی، فاطمه (۱۳۸۵). بررسی مقایسه‌ای رضایتمندی زندگی زناشویی در دانشجویان با و بدون روابط غیررسمی قبل از ازدواج. *دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران*. دانشگاه شهید بهشتی، اردیبهشت ۱۳۸۵.
- امامی، عادل و همکاران (۱۴۰۰). تاخیر ازدواج در ایران؛ تحلیل تفاوت‌های شهرستانی در الگوهای مجرد مردان و زنان. *مطالعات جمعیتی*، ۷ (۱)، ۳۵-۶۵.
- انتظاری، اردشیر؛ غیاثوند، احمد؛ عباسی، فاطمه (۱۳۹۷). عوامل موثر بر افزایش سن ازدواج جوانان ر شهر تهران. *برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*. ۱۰ (۳۴)، ۲۰۱-۲۶۹.
- تاج بخش، غلامرضا، محمدی، حانیه (۱۳۹۹). واکاوی دلایل گرایش جوانان به زندگی مجردی و روی گردانی از ازدواج. *جمعیت*، ۲۷ (۱۱۱)، ۱۱۳-۱۳۳.

- خلج آبادی فراهانی، ف؛ شجاعی، ج. (۱۳۹۲). بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه های تهران نسبت به تاثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر رضایت زناشویی. مطالعات راهبردی زنان، ش ۶۱، ۱۸۸-۱۴۹.
- خلج آبادی فراهانی، فریده (۱۴۰۰). اهمیت ازدواج و تعیین کننده های آن با تأکید بر نقش نگرش و تجربه جنسی قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران. مطالعات جمعیتی، ۷(۱)، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ۳۴-۳.
- خلج آبادی فراهانی، فریده (۱۳۹۱). تاثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر احتمال طلاق در بین افراد تحصیلکرده دانشگاهی. مطالعات راهبردی زنان، ش ۵۸.
- خلج آبادی فراهانی، فریده؛ کاظمی پور، شهلا؛ رحیمی، علی (۱۳۹۲). بررسی تاثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه های تهران. خانواده پژوهی، ۹(۳)، ۲۸-۷.
- ذوالفقاری، شادی (۱۳۹۲). فراتحلیلی بر پژوهش های انجام شده در زمینه عوامل موثر بر طلاق. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبائی.
- رجبی، ماهرخ؛ البرزی، صدیقه (۱۳۹۶). نگاهی جامعه شناختی به رابطه‌ی تماشای ماهواره و دوستی با جنس مخالف. مشارکت و توسعه اجتماعی، ۲(۴)، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۵-۱.
- رحیمی، علی و دیگران (۱۳۹۴). تحلیل گذار تجرد زنان و مردان در ایران طی سال های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰. مطالعات اجتماعی ایران، ۹(۳)، ۱۰۹-۸۰.
- رشوند، مرجان (۱۳۹۷). "تمایزکننده‌های وضعیت ازدواج در میان زنان شهر تهران". پایان‌نامه‌ی دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- زینتی، علی (۱۳۸۲). اسلام و رابطه دختر و پسر. مطالعات راهبردی زنان، ۷(۲۴)، ۱۲۳-۸۵.
- سزایی، حسن؛ اجاقلو، سجاد (۱۳۹۲). مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران، مطالعه موردی زنان شهر زنجان، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۵(۴)، ۴۱-۱۹.
- سیاح، سرور السادات؛ کوچک انتار، رویا؛ حسنی، فریبا. مقایسه‌ی مقایسه ای سطح تحصیلات و نگرش به ازدواج در بین جوانان دختر و پسر شهر هرات. رویش روانشناسی، ۷(۳)، بهار ۱۳۹۷.
- شهانواز، سارا و همکاران (۱۳۹۹). احتمال وقوع و تحلیل حساسیت پیشران های تجرد در ایران. ۱۴۱۴. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۸(۴۶)، ۲۲۰-۱۹۵.
- عسگری ندوشن، عباس؛ فتوحی تفتی، فاطمه، علی مندگاری، فلیحه (۱۳۹۷). تفاوت های اقتصادی، اجتماعی مرتبط با سن ازدواج زنان در ایران: مطالعه تطبیقی دختران جوان در آستانه ازدواج و زنان همسر دار ۴۹-۱۵ ساله. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ۲۰(۷۹)، ۲۱۰-۱۷۱.
- عظیمی هاشمی، م.؛ اعظم کاری، ف.؛ بی گناه، م.؛ رضامش، ف. (۱۳۹۴). ارزش ها، نگرش ها و الگوهای کنش جوانان در همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج. راهبرد فرهنگ، ۱(۹)، ۲۱۲-۱۷۹.

- علی تبار، س.ه؛ قنبری، س.؛ زاده محمدی، ع.؛ حبیبی، م. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین روابط جنسی پیش از ازدواج با نگرش به روابط فرازناشویی. خانواده پژوهی، ۲(۱۰)، ۲۶۷-۲۵۵.
- غفاری، داریوش؛ صیدی، محمد سجاد؛ رضایی، خدیجه (۱۳۹۶). تأثیر ماهواره در بی ثباتی ازدواج؛ نقش واسطه‌ای دینداری و نگرش مثبت نسبت به رابطه با جنس مخالف. پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، ۵(۱)، خرداد ۱۳۹۶، صفحه ۲۱-۹.
- غیاثوند، احمد (۱۴۰۲). انگاره ازدواج در بین جوانان ایرانی؛ سنخ‌ها و چالش‌ها. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان؛ زمستان ۱۴۰۲، ۵۰۶-۴۷۹.
- قادرزاده، الف.؛ محمدی، ف.؛ محمدی، ح. (۱۳۹۶). جوانان و روابط پیش از ازدواج؛ مطالعه کیفی زمینه‌ها، تعاملات و پیامدهای آن. راهبرد فرهنگ، ش ۳۸، ۴۰-۶.
- قنبری برزبان، علی؛ سلمانوندی، شاپور؛ فاطمی، نرگس السادات (۱۳۹۷). تأملی بر تأثیر روابط جنسی پیش از ازدواج بر گرایش به ازدواج مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه اصفهان. پژوهشهای راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۷(۰۳)، ۵۴-۳۳.
- کلاتری، عبدالحسین؛ روشنفکر، پیام؛ جواهری، جلوه (۱۳۹۰). مرور سه دهه تحقیقت علل طلاق در ایران. مطالعات راهبردی زنان، ش ۵۳، ۱۶۲-۱۲۹.
- کیان پور، سعید؛ فرهنگ، امیرعلی؛ حاجیان، محسن (۱۴۰۲). پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی. شماره ۷، بهار ۱۴۰۲، ۱۶۸-۱۳۵. عوامل مرتبط با گرایش جوانان به تجرد.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). چشم اندازهای جهانی. ترجمه محمدرضا جلائی پور. تهران: طرح نو.
- مبارکی، احسان؛ شرفی، محمد (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین استفاده از ماهواره، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی و نگرش به دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه‌های شهر اراک). مطالعات رسانه های نوین، ۵(۱۸)، شهریور ۱۳۹۸، صص ۱۶۶-۱۳۱.
- مرادی، گلمراد؛ صفاریان، محسن (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). مطالعات جامعه شناسی جوانان، ۷، ۸۱-۱۰۸.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، نتایج تفصیلی سرشماری کشور در ۱۳۹۵، [منبع الکترونیکی] <http://amar.sci.org.ir>
- معمار، ثریا؛ یزدخواستی، بهجت (۱۳۹۴). تجارب زیسته دختران شاغل ۳۰ تا ۴۹ سال از تجرد. مسائل اجتماعی ایران، ۶(۲)، ۱۷۲-۱۴۹.
- نژاد ابراهیم، الهه؛ سعیدی فرد، طاهره؛ وحیدنیا، نرگس؛ احمدی، خدابخش (۱۳۹۵). نقش روابط پیش از ازدواج در خیانت زناشویی. سلامت اجتماعی، ۳(۴)، ۲۹۹-۲۲۶.

- Fisher, H. E. (2014). The tyranny of love: Love addiction—an anthropologist's view. In *Behavioral Addictions* .12(74), 237- 265.
- Gaughan, M. (2002). The substitution hypothesis: The impact of premarital liaisons and human capital on marital timing. *Journal of Marriage and Family*, 64(2), 407-419.
- Hossain, M. and R. Islam. (2013) Effects of Socio-Economic and Demographic Variables on Age at First Marriage in Bangladesh, *Current Research Journal of Biological Sciences*, 5(4), 149-152.
<https://doi.org/10.19026/crjbs.5.5480>.
- Statistical Center of Iran (2021). Report of the Statistics Center of Iran, <https://www.amar.org.ir> (Persian)